

## ردیابی وقف در ساختار فرهنگی شهر تهران از دوره قاجار تا جمهوری اسلامی

Parvaneh Shahhosseini

F. F of SAMT Organization

### Surveying the Consecration in the Cultural Structure of Tehran from the Ghajar Period up to Islamic Republic

To some extent, in this article the different ways of human's intellectual promotion and his closeness to God from the Islam's point of view have been expressed. the consecration of buildings (wealth) is one of the ways which performs in various fields. Culture and education is one of them.

Here it has been attempted to survey the matter of consecration and consecrated buildings which have been established in order to develop and promote the culture and education in Tehran during Ghajar, pahlavi and Islamic republic periods.

The kind of cultural - educational consecrated buildings or the reasons of their consecrators are different according to the mental, social and economical conditions of each period.

This matter has been surveyed in detail.

#### مقدمه

انسان برای کسب رضای خداوند و رسیدن به کمال و جانشینی پروردگار در روی زمین باید بر طبق تعالیم خداوند هرچه بیشتر از جان و مال خویش در راه او بگذرد. همین اعتقاد او را به ایثار و از خودگذشتگی و احساس جاودانگی سوق می‌دهد<sup>۱</sup>. امت معتقد به اسلام در پدید آوردن نوعی از فرهنگ

۱- سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدجواد حجتی، جلد دوم، کانون انتشارات

معنوی و فرهنگ مادی نظیر سکونتگاهها و یا عناصر و ارگان سکونتگاهها و چهره‌پردازی محیط طبیعی - زیستی، طبیعتاً باید دارای ویژگیهای ممتاز و خاص خود بوده و دگرگون از سایر فرهنگها باشد؛ بدین معنی که باید در آن همه چیز رنگ و بوی فرهنگ وحی دهد<sup>۲</sup>. وقف علاوه بر اثرات مذهبی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و غیره اثرات جغرافیایی مهمی به همراه دارد. در برخی مناطق که پدیده وقف گسترش یافته است چهره جغرافیایی آن مناطق کلاً دگرگون شده است.

یکی از راههای گذشت از مال، وقف آن است. وقف می‌تواند در مسجد، حسینیه، چاه، قنات، آب انبار، یخچال، زمین زراعی، باغ، روستا، واحد مسکونی، مغازه، کارخانه، حمام، بیمارستان، مدرسه تا بنیادهای عظیم متجلی شود. این موقوفات معمولاً برای دو هدف عمده ایجاد می‌شوند:

۱- حفظ و نشر دین ، ۲- کمک به مستمندان،

همانگونه که پیامبر اسلام (ص) فرموده‌اند واقف خود را در ثواب تا روز جزا شریک می‌کند<sup>۳</sup>.

### عملکرد وقف در مراکز آموزشی

یکی از انواع موقوفات تأسیسات آموزشی و فرهنگی است که ایجاد آنها کمک به ارتقاء سطح فرهنگ و پیشرفت جامعه می‌کند.

در ایران تا تأسیس مدرسه دارالفنون و اعزام دانشجویان به اروپا، به علوم دینی بیش از علوم عقلی اهمیت داده می‌شد و آموزش عمدتاً در مدارس علمیه و تدریس علوم دینی خلاصه می‌شد. بر این اساس «بعضی از بنیانگذاران مدارس ممنوعیت تدریس و تعلیم این علوم را در وقفنامه‌ها ذکر می‌کردند. چنان که در وقفنامه مدرسه مریم بیگم به این مطلب چنین اشاره شده است: و باید که کتابهای علوم مشکوک و شبهات که به علوم عقلیه و حکمت مشهور و معروف است مثل شفا و اشارات و حکمت‌العین و شرح هدایت و امثال ذلک به شبهه دخول در مقدمات علوم دینی نخوانند در همین وقفنامه علوم مجاز برای تدریس به فقه و حدیث و تفسیر و مقدمات آنها منحصر شده است<sup>۴</sup>».

→ محمدی، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۰۶.

۲- مصطفی مؤمنی، «رديابی فرهنگ وحی در ساختارشناسی فرهنگی - اقتصادی و کالبدی دوره آغازین شهر دولت‌آباد ملایر»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال اول، شماره ۲، مشهد، پاییز ۱۳۶۵، ص ۲۱.

۳- درک مطلب از نهج الفصاحه، ص ۱۸۳، ک ۹۰۶.

۴- حسین سلطانه‌زاده، تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون، آگاه، تهران، ۱۳۶۴، ص ۴۱۵.

پژوهشی براساس پرونده‌های موقوفات موجود در ادارات شمیران، شمال غرب، شرق، جنوب تهران و بخشی از پرونده‌های موقوفات اداره شهر ری توسط نگارنده انجام شده است، طبق آن میتوان گفت از کل موقوفات آموزشی شهر تهران که در دوره‌های قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی پدید آمده‌اند، بیشتر مدارس علمیه متعلق به دوره قاجار است. مانند مدارس امامزاده زید، چال، حکیم هاشم (این مدرسه به مدرسه مهدعلیا مشهور است)، محمدیه، چال، حصار، رضائیه، خانم، دارالشفاء، پامنار، حکیم، رضاقلی خان، میرزا صالح، صدر، مروی، محسنیه، حاج رجبعلی، آصفیه، فرخ‌خان، شیخ عبدالحسین، دنکی، سعدیه، صنعیه، میرزا عبدالکریم، معیر، نیاکی، اقبال السلطنه، متحیه، خازن‌الملک، سپهسالار قدیم، شاهزاده‌خانم، عبدالله خان، کاظمیه، منیریه، اقصی، سپهسالار جدید، فیلسوف‌الدوله، محمودیه، رضائیه و قندی<sup>۵</sup>.

در حال حاضر بسیاری از این مدارس یا در ساخت و سازهای شهری یا به مرور زمان از بین رفته‌اند. از آنجا که مدارس علمیه و مساجد از نظر کارکردی موازی هم هستند - هر دو کارکرد مذهبی دارند - بعضی از واقفین مسجد و مدرسه وقفی خود را در کنار هم می‌ساختند مانند امیرکبیر که به وسیله شیخ عبدالحسین، مسجد و مدرسه شیخ عبدالحسین را ساخت.

واقفین این مدارس و نیز سایر مردمی که به امر وقف با انگیزه آموزشی در دوره قاجار اقدام می‌کردند، برای اداره این مراکز یعنی پرداخت حقوق استادان، طلاب و خدام، تعمیر و نگهداری مدرسه و غیره، مکانهای تجاری، مسکونی، زمین، باغ، حقاچه و غیره وقف می‌کردند. در بعضی موارد که مدرسه موقوفه‌ای نداشت، هزینه‌ها از طرف مجتهدین و مرجع تقلید تأمین می‌شد. به دلیل آن که مکانهای تجاری بیشترین منبع درآمدزا هستند، بیشتر این موقوفات از نوع تجاری می‌باشند و به علت موقعیت برتر اقتصادی بازار در اقتصاد شهر تهران در دوره قاجار، بیشتر این موقوفات در محدوده بازار مکان‌یابی شده‌اند (جدول شماره ۲). جدول مدارس علمیه و موقوفات آنها در سال ۱۲۶۹ ه. ق در شهر تهران براساس داده‌های کتاب آمار دارالخلافه تهران تهیه شده است. براساس این جدول از ۲۰ مدرسه علمیه موجود تا سال ۱۲۶۹ ه. ق ۱۳ مدرسه دارای موقوفات است و ۷ مدرسه موقوفه ندارد. مدرسه علمیه محمدیه واقع در محله بازار بیشترین موقوفه را داراست (۸۳ رقبه). موقوفات بیشتر از نوع تجاری هستند و بیشتر آنها در بازار تهران مکان‌یابی شده‌اند، یعنی ۹۱ مغازه و حجره، زمین بازار زرگرها غیر از حمام ندرخانی و اعیانی، بازار آقامهدی نواب غیر از هفت طاق و ۲ دانگ کاروانسرای یزدیها. توزیع فضایی موقوفات مدارس علمیه در سایر محلات شهر به این ترتیب است: سنگلج (۲۸ رقبه)، عودلاجان (۲۳ رقبه)، چالمیدان (۴ رقبه) و

۵- حسینی بلاغی، سیدعبدالحجه، تاریخ تهران قسمت مرکزی مضافات، آموزش و پرورش استان قم، قم، ۱۳۵۰.

محله بازار (۳ رقبه). محله ارک به دلیل وجود مرکز حکومتی کشور فعالیت اقتصادی در آن انجام نمی‌شد، از این رو در این محله موقوفه‌ای وجود ندارد. با توجه به مطالب گفته شده و جو فکری - فرهنگی حاکم بر جامعه آن روزگار می‌توان گفت نقاط فرهنگی - آموزشی ناشی از وقف، بازتابی از شعائر مذهبی بود و با تدریس علوم دینی در مدارس علمیه به وسیله مردم (بسیاری از مجتهدین) به منصف ظهور می‌رسیدند.

به جز مدارس علمیه که در زمینه علوم دینی در سطح بالا فعالیت می‌کردند، شکل دیگری از آموزش در مکتبخانه‌ها اجرا می‌شد. مکتبخانه‌ها دو نوع بودند یکی خصوصی که در منزل طبقات اعیان دایر می‌گردید و مخصوص فرزندان یک یا چند خانواده بود و نوع دیگر مکتبخانه‌های عمومی که تمام طبقات و خانواده‌ها می‌توانستند کودکان خود را آنجا بفرستند<sup>۶</sup>. براساس پرونده‌های موقوفات موجود در ادارات اوقاف و امور خیریه که توسط نگارنده بررسی شده است، هیچ مکتبخانه‌ای وقف نشده است. به جز دارالفنون که در سطحی بسیار وسیع در صحنه آموزش عمل می‌کرد، تنها یک دبستان به سبک جدید در تبریز توسط حاجی میرزا حسن (رشدیه) تأسیس شد که مدتی بعد خراب شد<sup>۷</sup>.

عده‌ای مخالف ایجاد دبستانها بودند ولی دو نفر از روحانیان از این گونه مدارس حمایت می‌کردند. «یکی از آن دو شادروان شیخ هادی نجم‌آبادی بود که خود مرد دانشمند و آزاداندیش و نیکی بود که پس از برافتادن امین‌الدوله سرکشی و پشتیبانی به دبستان رشدیه و نگهداری آن را برگردن گرفت و دیگری شادروان سید محمد طباطبایی بود که خود بنیاد دبستانی بنام اسلام نهاد<sup>۸</sup> و آن را وقف کرد.

در ایران بخصوص در دوره قاجار به دلیل نقش مسلط مذهب در زندگی مردم اگر اجرای هر نوآوری می‌خواست با موفقیت همراه شود باید از حمایت بزرگان مذهبی برخوردار می‌شد. در غیر این صورت با شکست مواجه می‌شد، مانند خراب شدن مدرسه رشدیه در سال ۱۲۶۷ ه. ش در تبریز. این امر در ایجاد دبستانها و آموزش به سبک جدید بخوبی مشهود است، زیرا با پشتیبانی دو مرجع تقلید آن زمان مردم همه اقدام به ایجاد دبستانها کردند و هم به فرزندان خود اجازه دادند که در این مدارس تحصیل کنند.

یکی از ابزارهای اجرایی اهداف مسلمانان یعنی وقف، در این خصوص کمک مؤثری کرد، زیرا با وقف مدرسه اسلام توسط آیت‌ا... طباطبایی راهی برای آشنایی فرزندان این کشور با دانش جدید و نهایتاً کمک به تغییر نحوه آموزش باز شد. بنابراین می‌توان گفت اگر یاری بزرگان مذهب نبود شاید تا مدتهای مدید در فضای آموزشی ایران تغییر حاصل نمی‌شد.

۶- ناصر نجمی، تهران عهد ناصری، عطار، تهران ۱۳۶۴، ص ۴۰۴.

۷- احمد کسروی تبریزی، تاریخ مشروطه ایران، جلد اول، امیرکبیر، تهران، ۲۵۳۷. ۸- همان، ص ۳۸.

البته مظفرالدین شاه نیز خود از حامیان این مدارس بود. وی «امنای دولت را به این کار تشویق کرد و بعضی از درباریان اقدام به تأسیس مدارس ابتدایی و متوسطه کردند و وزارت علوم که بتازگی تشکیل شده بود به این افراد کمکهای مادی قابل توجهی نمود». تعدادی از مدارس وقفی این دوره عبارتند از: مدرسه رشديه، مدرسه اسلام، مدرسه خیریه (سردار فیروز جنگ).

در اینجا مدرسه خیریه را به دلیل کارکرد و اهمیت آن در زمان وقف و نیز تداوم حیات آن در عصر حاضر توضیح می‌دهیم. مدرسه خیریه (سردار فیروز جنگ پنجمین مدرسه با اسلوب جدید در ایران است که توسط میرزا سیدکریم خان سردار فیروزکوهی در سال ۱۳۱۶ ه. ق (۱۲۷۷ ه. ش) برای اطفال یتیم و یا نیازمند تأسیس شد. واقف بهترین املاک و مستغلات خود در تهران، شمیران، دماوند و مازندران را وقف آن نمود. پس از تأسیس مدرسه، مظفرالدین شاه قاجار ضمن بازدید، معدن زغال سنگ گاجره را برای تأمین سوخت محصلین این مدرسه وقف کرد. مدرسه خیریه در خیابان شیخ هادی تهران مساحتی بیش از ۵۰۰ متر با ساختمانهای متعدد شامل آشپزخانه، آبدارخانه، خوابگاه اطفال و پرستاران، زمین ورزش همراه با وسایل ورزشی آن دوره و کارگاه صنعتی برای تعلیم فنون تجاری، بافندگی و آهنگری داشت. این مدرسه نزدیک به ۶۰ نفر از اطفال یتیم و بی‌بضاعت را بطور شبانه‌روزی نگهداری می‌کرد. بسیاری از دانش‌آموزان آن بعدها جزو رجال علمی و ادبی ایران شدند.<sup>۹</sup>

تأسیس چنین مدرسه‌ای با این امکانات و ادامه فعالیت آن به جز دولت تنها از عهده توانگران با کمک عامل وقف برمی‌آمد. بازتاب فضایی عملکرد وقف مدرسه خیریه و موقوفات آن، رشد و توسعه فرهنگ و آموزش در شهر و کشور بود. چنانچه بعضی از تألیفات فروغی که در این مدرسه توسط وی تدریس می‌شد، بعدها در دبیرستانهای تهران و سایر شهرها تدریس شد. همچنین پرورش دانش‌آموزانی که بعداً به رشد علمی و ادبی کشور کمک کردند از دیگر نتایج مهم این مدرسه است.

بنابراین وقف سردار فیروزکوهی که به منظور آموزش و در نقطه فرهنگی‌ای بنام مدرسه خیریه یا ایتم متجلی شده است، علاوه بر کمک به خانواده‌های بی‌بضاعت و رشد فرهنگی - آموزشی آنها و در نهایت کمک به شکوفایی استعدادهای نهفته در این خانواده‌ها، به ارتقاء سطح فعالیت‌های آموزشی در شهر و کشور نیز کمک کرد.

این مدرسه پس از گذشت حدود ۱۰۰ سال از تاریخ تأسیس آن هنوز فعال است، در نتیجه عامل وقف

۹- عصمت اسماعیلی، «گزارشی از بنیاد موقوفات سردار فیروزکوهی»، مجله وقف میراث جاویدان، فصلنامه

هنوز همچنان به فعالیت خود ادامه داده و به تأثیرگذاری مثبت در جامعه مشغول است. در حال حاضر این مدرسه به آموزشگاه فنی و حرفه‌ای (بنام منظمی) تبدیل و به تربیت افراد کارآمد برای جامعه می‌پردازد. با روی کار آمدن حکومت پهلوی، از یک طرف به دلیل اهمیت کمی که حکومت به مذهب می‌داد و از طرف دیگر احساس نیاز بسیار به دانش و فن جدید برای رسیدن به رشد و توسعه، احداث و وقف مدارس علمیه در تهران رو به زوال گذاشت و بجای وقف این گونه مراکز، وقف مراکزی که آموزش در آنها به روش جدید انجام می‌شد رواج یافت. واقفان این دوره عمدتاً در این جهت حرکت کرده‌اند.<sup>۱۰</sup> این گونه وقفها در قالب بنیادهای خیریه تجلی پیدا کرده است.

از دهه ۱۳ به بعد در شهر تهران علاوه بر وقفهای سنتی، بنیادهای خیریه وقفی به پیروی از غرب ولی متفاوت با اهداف آنها پدید آمده‌اند. این بنیادها اهداف متعددی را دنبال کرده‌اند. یکی از آن اهداف، امور فرهنگی است. بنیادها و مراکز خیریه وقفی در عرصه آموزش کشور و شهر تهران نقش مهمی داشته و دارند مانند بنیاد فرهنگی البرز - زیرا موقوفاتی که برای این هدف در نظر گرفته‌اند اعم از منقول و غیرمنقول و افرادی که تحت پوشش دارند مانند دانش آموز و دانشجو چشمگیر و در خور تأمل است. روند تأسیس بنیادها و مراکز خیریه چه به صورت وقف چه به صورت غیروقف که تنها هدف و یا یکی از اهداف آنها در خصوص امور فرهنگی است، در جمهوری اسلامی نیز تداوم یافته است.

اسامی بنیادها و مراکز خیریه وقفی و غیروقفی که در امور فرهنگی فعال بودند و نیز فعالیت دارند، از پرونده‌های موقوفات شهر تهران موجود در ادارات تابعه اوقاف و امور خیریه استخراج شده است. اسامی آنها به ترتیب سال تأسیس در جدول شماره ۱ آمده است.

امید است هرچه بیشتر بر تعداد این بنیادها و مراکز خیریه وقفی افزوده شود و مانند کشورهای غربی از سوی تمامی اقشار مردم یعنی سرمایه‌داران، صاحبان صنایع و بازرگانان، علما و فرهنگیان در شهر و روستاها حمایت شود. مثلاً در آلمان ۹۰ درصد شرکت بوش، بنیاد وقفی مجتمع هاونی، بنیاد وقفی خانواده فروید فرک، بنیاد فولکس واگن با سرمایه‌های عظیم وقف هستند و در جهت اشاعه دانش، پژوهش و فن در سطوح عالی در کشور فعالیت می‌کنند.<sup>۱۱</sup>

۱۰- براساس بررسی که از پرونده‌های موقوفات شهر تهران موجود در ادارات اوقاف و امور خیریه توسط نگارنده

انجام شده است، بیان می‌شود.

۱۱- مصطفی مؤمنی، «بنیادهای وقفی در آلمان فدرال: لزوم تأسیس بنیادهای وقفی هماهنگ با مقتضیات زمان»، مجله وقف

## جدول شماره ۱: اسامی بنیادها و مراکز خیریه وقفی و غیروقفی

سال	نام مؤسسه خیریه	سال	نام مؤسسه خیریه
۱۳۶۰	بنیاد خیریه جعفر امینیان	۱۳۳۳	لیستر
۱۳۶۲	بنیاد فرهنگی البرز	۱۳۴۲	بنیاد فرهنگی البرز
۱۳۶۳	بنیاد بعثت	۱۳۴۶	مؤسسه حسینیّه ارشاد
۱۳۶۳	بنیاد تبلیغاتی و تعلیماتی خاتم‌الارصیا	۱۳۴۷	انجمن خیریه محبان‌الحسین (ع)
۱۳۶۴	مجتمع اسلامی شبستری‌های مقیم مرکز	۱۳۴۹	جمعیت خیریه فرح پهلوی
۱۳۶۵	بنیاد اخلاق	۱۳۵۰	بنیاد نیکوکاری فاطمیه‌نگوگند (بنام گلابگانهای مقیم تهران)
۱۳۶۵	مؤسسه بنیاد حضرت سیدالشهدا حسین بن علی (ع)	۱۳۵۰	بنیاد پهلوی
۱۳۶۶	بنیاد شهید عراقی	۱۳۵۳	بنیاد خیریه سیروس یگانگی (انجمن زرتشتی)
۱۳۶۷	بنیاد رفاه تعاون امام صادق (ع)	۱۳۵۶	بنیاد نیکوکاری کوچک‌زاده یزدی
۱۳۶۸	بنیاد خیریه رامفر	۱۳۵۸	بنیاد جمعری
۱۳۷۰	بنیاد حضرت سیدالشهدا حسین بن علی (ع)	۱۳۵۸	کمیته امداد امام خمینی

## نتیجه‌گیری

وقف براساس کسب رضای پروردگار و اجرای فرامین وی، یعنی جهان‌بینی الهی و نیز اخذ اجر اخروی از سوی انسان واقف انجام می‌شود. چنانچه در کتب فقهی آمده است که مرده را به انفاق دعا و صدقه نافع باشد و پیش بعضی آنک اگر ولی او جهت او روزه دارد هم چنان او را نافع باشد و در این حدیث حکم دعا و صدقه آمده و سبب آنک انتفاع دیگران به علم او از این قبیل نهاده آنست که کدام صدقه و فایده و رای افاده علم باشد و یا آن دعایی که مستفیدان به صدق دل گویند بهترین دعاها تواند بود. پس حقیقت علم منتفع به که از شخص بعد از وفات او بازماند هم صدقه و هم دعا بوده باشد<sup>۱۲</sup>. انسان واقف با توجه به مقتضیات هر زمان عمل به وقف کرده است؛ مثلاً در دوره قاجار پیش از تأسیس مدرسه دارالفنون، برای حفظ و نشر مذهب از طریق ایجاد مدارس علمیه عمل به وقف می‌شد. اهمیتی که واقفان این دوره به این مدارس می‌دادند را می‌توان در سبکهای معماری و تزیینات این

میراث جاویدان، فصلنامه فرهنگی - تحقیقی - اجتماعی و تاریخی، سال دوم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۸، زمستان ۱۳۷۳.

۱۲- رشیدالدین فضل‌الله بن ابی‌الخیر بن عالی‌الهمدانی، وقتنامه ربع رشیدی، الوقیه‌الرشیدیه، به کوشش مجتبی مینوی

و ایرج افشار با همکاری عبدالعلی کارنگ در تصحیح قسمت مربوط به آذربایجان، انجمن آثار ملی، تهران، ۲۵۳۶، ص ۴.

مدارس و حجم موقوفاتی که برای آنها قرار می‌دادند، دید. براساس وقفنامه‌های موجود بیشتر مدارس علمیه وقفی در دوره قاجار تأسیس شده‌اند. پس از ایجاد مدرسه دارالفنون و آشنایی با دانش جدید مدرسی به سبک جدید احداث و وقف می‌شد؛ مانند مدرسه اسلام و مدرسه خیریه یا ایتم. این روند در حکومت پهلوی و به دنبال آن در جمهوری اسلامی<sup>۱۳</sup> با ایجاد مؤسسات و بنیادهای خیریه وقفی ابعاد وسیعتری یافت و بر تعداد نقاط فرهنگی ناشی از وقف در سطح کشور افزود. این مراکز با پشتوانه عظیم مالی که دارند قادرند در سطحی بالاتر از دبستان یعنی در مقاطع دبیرستان و دانشگاه فعالیت کنند، مانند مؤسسه خیریه لیستر که دانشجویان بی‌بضاعت دانشکده فنی دانشگاه تهران را تحت پوشش دارد یا بنیاد فرهنگی البرز که در سطح کشور در زمینه فرهنگی یعنی ایجاد مدارس، کمک مالی به دانشجویان، اهداء جوایز به محققان و غیره فعالیت می‌کند.

مرکز آموزشی که بنیاد فرهنگی البرز تأسیس کرده است عبارتند از:

«۱- مدرسه راهنمایی آیت... شیخ جعفر شوشتری واقع در کیان آباد شهرستان اهواز، ۲- مدرسه راهنمایی حضرت سجاد (ع) واقع در منطقه زیتون کارگری شهرستان اهواز، ۳- مدرسه راهنمایی آیت... طالقانی واقع در تهران، ۴- یک باب دبستان واقع در روستای خورزن از توابع شهرستان خمین، ۵- مجتمع آموزشی شامل دبستان، مدرسه راهنمایی و دبیرستان واقع در شهرستان آشتیان، ۶- یک باب مدرسه راهنمایی واقع در تهران (اراضی آسیاب کهک). بنیاد فرهنگی البرز از درآمدهای حاصل از واحدهای تجاری خود به دانشجویان دانشگاهها نیز وام تحصیلی پرداخت می‌کند»<sup>۱۴</sup>.

با توجه به گروهای از فعالیتهای بنیاد فرهنگی البرز می‌توان گفت کمکی را که این بنیادهای وقفی می‌توانند در رفع نیازهای مادی آموزشی در سطح شهر و روستا انجام دهند، نمی‌توان نادید گرفت؛ زیرا قادرند به نحو چشمگیری از فشار مالی دولت بکاهند و کمکی برای ارتقاء سطح آموزشی - فرهنگی افراد بی‌بضاعت جامعه به شمار آیند.

امید است این مهم که در جمهوری اسلامی به نحوی گسترده ادامه یافته است با هدایت توانگران از سوی دولت، صدا و سیما، جراید و سازمان اوقاف و امور خیریه روز بروز ابعاد وسیعتری یابد. چه در عمل وقف هم کمک به اعتلای کشور و هم اجر اخروی است.

۱۳- برای مؤسسات آموزشی وقفی در جمهوری اسلامی ایران مقاله جداگانه‌ای تدوین خواهد شد.

۱۴- بی‌مؤلف، «آشنایی با واقفان بزرگ»، مجله وقف میراث جاویدان، فصلنامه فرهنگی - تحقیقی - اجتماعی و



## جدول شماره ۲: مدارس علمیه و موقوفات آنها در سال ۱۲۶۹ هـ. ق در شهر تهران

مکان مدرسه علمیه	نام مدرسه علمیه	رقبات	مکان وقوع رقیبات					
			محلہ ارک	محلہ عودلاجان	محلہ بازار	محلہ سنگلج	محلہ چاله میدان	بازار
محلہ ارک	مادرشاه	زمین بازار زرگرها غیر از حمام ندرخانی و اعیانی بازار آقا مهدی توابع غیر از هفت طاق حمام ۱ باب						x
	قاسم خانی							x
محلہ عودلاجان	میرزا صالح تهرانی	مغازه ۴ باب		x				
	حاجی محمد	مغازه ۵ باب		x				
	حسین مروی	حمام ۲ باب مغازه ۹ باب		x				x
	حاجی ملا آقا رضا سپهدار							
محلہ بازار	محمدیه	مغازه ۳ باب مغازه ۴ باب مغازه ۳ باب کاروانسرای تقارده خانه شامل ۹ باب حجرات دالان، ۲۷ باب حجرات صحن، ۲ باب بالاخانه، ۲ باب زاویه، ۲ دکه در درب کاروانسرا، دالان ضرابخانه شامل ۲۶ باب حجره، ۲ دکه جلودالان			x			x
	حاجی محسن	۲ دانگ کاروانسرای یزدیها						x
محلہ بازار	دارالشفاء			x				
	صدر	حجره ۲ باب						
	عبدالله خان	حجره ۶ باب						x
محلہ سنگلج	میرزا بابا مشهور به چال							
	آغا محمد خواجه مرحوم	مغازه ۱ باب				x		
	میرزا عبدالکریم مرحوم						x	
	یونس خان مرحوم	مغازه ۷ باب					x	
	میرزا کی نوری مرحوم	حمام ۱ باب					x	
	رضا قلی مرحوم	مغازه ۲ باب					x	
	حاجی ملا جعفر مرحوم							
بازار	مدرسه بی نام	مغازه ۱۷ باب معلوم نیست متعلق به کدام مدرسه					x	

منبع: سیروس سعدوندیان و منصوره اتحادیه (نظامی مافی)، آمار دارالخلافت تهران، اسنادی از تاریخ اجتماعی تهران در عصر قاجار، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۶۸.